

سیاست گذاری عمومی

قوانین دولتی، سیاست ها، تحلیل و جایگزینی ها

مایکل ای. کرافت، اسکات آر. فورلنگ

دکتر نادر هوشمندیار

عضو هیئت علمی و استاد دانشگاه



سرشناسه: کرفت، مایکل ای، ۱۹۴۳ - Kraft, Michael E م

عنوان و نام پدیدآور: سیاست‌گذاری عمومی: قوانین دولتی، سیاست‌ها، تحلیل و جایگزینی‌ها / مایکل ای.

کرافت، اسکات آر. فورلانگ؛ [ترجمه] نادر هوشمندیار.

مشخصات نشر: تهران: نشر شور آفرین، ۱۳۹۵.

مشخصات ظاهری: ۶۴۴ ص.: جدول، ۲۱/۵×۱۴/۵ س.م.

شابک: 978-600-8055-47-1 وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا

یادداشت: عنوان اصلی: Public policy : politics, analysis, and alternatives.

موضوع: سیاست‌گذاری - ارزشیابی موضوع: Policy sciences -- Evaluation

موضوع: برنامه‌ریزی سیاسی -- مشارکت شهروندان

موضوع: Political planning -- Citizen participation

موضوع: برنامه‌ریزی سیاسی -- ایالات متحده -- ارزشیابی

موضوع: Political planning -- Evaluation -- United States

موضوع: علم‌داری - ایالات متحده -- ارزشیابی

موضوع: Public administration -- Evaluation -- United States

موضوع: ارزشیابی طرح‌ها -- ایالات متحده

موضوع: Evaluation research (social action programs) -- United States

شناسه افزوده: فرلانگ، اسکات آر، ۱۹۶۳ - م. شناسه افزوده: Furlong, Scott

شناسه افزوده: هوشمندیار، نادر، ۱۳۳۴ - مترجم رده‌بندی کنگره: H س ۴۹۳ ۱۳۹۵

رده‌بندی دیویی: ۶۰۹۷۳/۳۲۰ شماره کتابشناسی ملی: ۷۷۸۳



سیاست‌گذاری عمومی

قوانین دولتی، سیاست‌ها، تحلیل و جایگزینی‌ها

مدرس ای. کرافت، اسکات آر. فورلانگ

دکتر نادر هوشمندیار

عضو هیئت علمی و استاد دانشگاه

مدیر اجرایی و دبیر علمی چاپ: حسین کاظمیان

صفحه‌آرا: گیتی عباسی

طراح جلد: آرزو آری

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

نوبت چاپ: اول ۹۶

بها: پنجاه هزار تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۰۵۵-۴۷-۱

نشانی: تهران، خیابان انقلاب، نرسیده به پیچ شمیران، کوی نوبخت،

شماره ۲، طبقه همکف؛ تلفن: ۸۸۴۳۰۴۹۹؛ همراه: ۹۱۲۵۵۷۹۱۴۵.

www.shourafarin.com

فهرست

۱۷	 مقدمه
۲۵	 مقدمه
۲۷	 تمرکز بر تحلیل قوانین

فصل ۱- قوانین دولتی/ ۳۵

۳۵	 قوانین دولتی و علوم سیاسی
۳۹	 قوانین دولتی چیست؟
۴۳	 تعریف مفاهیم پایه
۴۴	 دولت
۴۴	 علوم سیاسی
۴۸	 تحلیل قوانین
۴۸	 چرا قوانین دولتی را بررسی کنیم؟
۴۹	 توانایی شهروندان در مشارکت و تصمیم‌گیری
۵۴	 توانایی شهروندان در تأثیرگذاری بر قوانین
۵۵	 زمینه‌ی قوانین دولتی
۵۵	 زمینه‌ی اجتماعی
۵۷	 زمینه‌ی اقتصادی
۵۹	 زمینه‌ی سیاسی
۶۴	 زمینه‌ی فرهنگی
۶۶	 دلایل دخالت دولت
۶۶	 دلایل سیاسی
۶۷	 دلایل اخلاقی
۶۸	 اقتصاد و شکست بازار
۷۴	 به‌کارگیری تحلیل قوانین

۷۴	 استفاده‌های بی‌شمار از تحلیل قوانین
۷۵	 استفاده‌ی شهروندان از تحلیل قوانین
۷۸	 چگونه مطالعه‌ی قوانین را تفسیر کنیم

فصل دو- سازمان‌های دولتی و مجریان قانون/۸۳

۸۴	 سازمان‌های دولتی و مجریان قانون
۸۷	 رشد دولت
۹۲	 سازمان‌های دولتی و ظرفیت قوانین
۹۷	 فدرالیسم
۹۸	 گروه هدفمند می‌پیوندد
۹۸	 تکیه بر روابط فدرال-ایالت
۱۰۱	 گوناگونی است‌ها از لحاظ ظرفیت
۱۰۳	 قوانین مردمی ایالتی
۱۰۵	 جداسازی قدرت‌ها
۱۰۶	 قوه‌ی مقننه
۱۰۸	 کنگره
۱۱۱	 حلقه‌ی اطرافیان رییس‌جمهور
۱۱۴	 بخش‌ها و سازمان‌های اجرایی
۱۱۷	 قوه قضاییه
۱۲۰	 قوه‌ی قضاییه فدرال
۱۲۱	 مجریان غیررسمی قانون و ظرفیت قوانین
۱۲۱	 نظر عامه و قانون‌گذاری
۱۲۴	 گام‌های تحلیل
۱۲۴	 نظر عامه
۱۲۶	 گروه‌های هدفمند، غیرانتفاعی و قوانین دولتی
۱۳۰	 رسانه
۱۳۰	 استراتژی‌های قوانین گروه‌های هدفمند
۱۳۲	 زیرمجموعه‌های دولتی قانون‌گذار و شبکه‌های موضوعی
۱۳۴	 بهبود ظرفیت قوانین

فصل ۳ - درک قانون‌گذاری دولتی/۱۴۱

۱۴۲	 درک قانون‌گذاری دولتی
۱۴۵	 نظریه‌های علوم سیاسی و قوانین دولتی

۱۴۶	نظریه‌ی نخبگی
۱۴۸	نظریه‌ی گروهی
۱۵۰	نظریه‌ی نهادی
۱۵۲	نظریه‌ی انتخاب عقلانی
۱۵۴	نظریه‌ی سیستم‌های سیاسی
۱۵۶	مدل پردازش قوانین
۱۵۸	تعریف مسئله و تنظیم دستور کار
۱۶۶	گام‌های تحلیل
۱۶۶	چه چیزی در دستور کار قرار دارد؟
۱۷۱	قوانین
۱۷۴	تصویب قوانین
۱۷۶	گام‌های تحلیل
۱۷۶	ارزیابی تدوین قوانین
۱۷۷	اجرائی کردن قوانین
۱۷۹	گام‌های تحلیل
۱۷۹	قضاوت مشروعیت قوانین
۱۸۱	ارزیابی قوانین
۱۸۲	نتایج غیرمنتظره
۱۸۳	تغییرات قوانین
۱۸۴	ابزار قوانین دولتی
۱۸۶	مقررات
۱۸۶	مدیریت دولتی
۱۸۷	مالیات و مصارف آن
۱۸۸	مکانیسم‌های بازار
۱۹۰	آموزش، اطلاعات و ترغیب
۱۹۱	گونه‌شناسی قوانین

فصل ۴- تحلیل قوانین / ۱۹۷

۲۰۱	ماهیت تحلیل قوانین
۲۰۴	گام‌های فرآیند تحلیل قوانین
۲۰۷	مسئله را تعریف و تحلیل کنید
۲۰۹	جایگزین‌های قوانین را در نظر بگیرید
۲۱۰	معیار ارزیابی را انتخاب کنید

۲۱۳	جایگزین‌ها را ارزیابی کنید.....
۲۱۴	نتیجه‌گیری کنید.....
۲۱۶	انواع تحلیل قوانین.....
۲۱۷	گام‌های تحلیل.....
۲۱۷	موضع اتاق‌های فکر نسبت به مسایل قانونی.....
۲۱۸	نظر موسسه‌ی میراث نسبت به کنترل سلاح چیست؟.....
۲۱۹	نظر مرکز پیشرفت‌های آمریکا نسبت به کنترل سلاح چیست؟.....
۲۱۹	رویکردهای علمی.....
۲۲۰	رویکردهای حرفه‌ای.....
۲۲۰	رویکردهای سیاسی.....
۲۲۱	چه نوع تحلیلی مورد نیاز است؟.....
۲۲۱	رفع کردن علل ریشه‌ای یا ایجاد تغییرات واقع‌گرایانه؟.....
۲۲۳	مقایسه‌ی باق‌های سکر.....
۲۲۴	نهاد بروکینگز.....
۲۲۵	نهاد سرمایه‌گذاری آمریکایی بر پژوهش‌های قوانین دولتی.....
۲۲۷	تحلیل مفهومی یا ارتباط قوانین که است؟.....
۲۲۹	تحلیل توافقی یا ستیزگرایانه؟.....
۲۳۰	تکیه بر تحلیل منطقی یا سیاست‌گراتیک؟.....
۲۳۱	سایر ابعاد تحلیل قوانین.....

فصل ۵ - مشکلات اجتماعی و قوانین جایگزین ۲۳۵

۲۳۵	مشکلات اجتماعی و قوانین جایگزین.....
۲۳۹	تحلیل مسئله.....
۲۴۰	ماهیت مسئله.....
۲۴۷	نشانه‌های توسعه‌ی پایدار.....
۲۴۸	تفکر درباره‌ی علل و راه‌حل‌ها.....
۲۵۲	چگونه اطلاعات را جمع‌آوری کنیم؟.....
۲۵۳	گام‌های تحلیل.....
۲۵۳	تشکیل‌دهنده‌های اصلی تحلیل مسئله.....
۲۵۸	ساخت جایگزین‌ها.....
۲۵۸	کارهایی که دولت‌ها می‌توانند انجام دهند.....
۲۶۲	گونه‌شناسی قوانین به‌عنوان ابزار تحلیل.....
۲۶۴	گام‌های تحلیل، ابزار طراحی قوانین.....

۲۶۶ نواندیشی در رابطه با اجرای قوانین

فصل ۶ - ارزیابی قوانین جایگزین/۲۷۳

۲۷۴	 ارزیابی قوانین جایگزین
۲۷۷	 معیار سنجش برای قضاوت پیشنهادها قانون‌گذاری
۲۸۲	 تمرین‌های
۲۸۴	 کارآیی
۲۸۸	 برابری
۲۹۱	 اخلاقیات و ارزش‌های سیاسی
۲۹۳	 استاده از روش‌های تحلیل قوانین
۲۹۴	 رویکردهای اقتصادی
۲۹۴	 تحلیل هزینه-بود
۲۹۷	 انجام تحلیل هزینه-بود
۳۰۴	 تحلیل هزینه-تمرین‌های
۳۰۵	 برآورد ریسک
۳۱۲	 تصمیم‌گیری و نتایج آن
۳۱۲	 پیش‌بینی
۳۱۵	 برآورد تأثیرات
۳۱۷	 رویکردهای سیاسی و نهادی
۳۱۷	 تحلیل شایستگی از نظر سیاسی
۳۱۹	 تحلیل اجرا « ارزیابی برنامه
۳۲۱	 تحلیل اخلاقیات
۳۲۲	 گام‌های تحلیل
۳۲۲	 تحلیل اخلاقی: مسئله‌ی اهدای عضو

فصل ۷ - قوانین اقتصاد و بودجه/۳۲۷

۳۲۷	 قوانین اقتصاد و بودجه
۳۳۵	 اهداف قوانین اقتصادی
۳۳۶	 رشد اقتصادی
۳۳۷	 سطح پایین بیکاری
۳۴۰	 سطح پایین تورم
۳۴۱	 راهنمای قیمت مصرف‌کننده
۳۴۲	 بالانس مثبت تجارت

۳۴۳	مدیریت کسری بودجه و بدهی
۳۴۵	روابط متقابل اهداف اقتصادی
۳۴۶	ابزار قوانین اقتصادی
۳۴۷	سیاست مالی
۳۴۸	قوانین پولی
۳۴۹	سامان‌دهی
۳۵۲	انگیزه، سوبسید و حمایت
۳۵۳	قوانین مالیات
۳۵۴	مطالعات تحلیل
۳۵۴	مطالعات موجود در ساخت قوانین مالیاتی
۳۵۶	پردازش بودجه و تأثیر آن بر قوانین اقتصادی
۳۵۶	فرضیه‌ها برنامه‌ریزی
۳۵۷	برنامه‌ریزی بودجه‌ای سازمان
۳۵۷	بازنگری بودجه‌ای MP
۳۵۸	بازبینی کنگره
۳۶۱	کنترل و اجرای بودجه
۳۶۲	قوانین اقتصادی: موفقیت‌ها و شکست‌ها
۳۶۲	کاهش مالیات رونالد ریگان و جورج دابل‌بوش
۳۶۵	پاسخ به کسری‌ها
۳۶۷	لایحه‌ای احیای آمریکا و سرمایه‌گذاری مجدد ۲۰۰۹
۳۶۸	مسایل و چالش‌های اقتصادی
۳۶۹	حفظ رشد اقتصادی
۳۶۹	دیدگاه‌ها نسبت به اقتصاد و تعیین بودجه
۳۷۱	رشد مستمری
۳۷۲	چالش‌هایی برای دولت‌های ایالتی
۳۷۳	نابرابری درآمد
۳۷۴	بحث متمرکز: چگونه کاستی بودجه را بررسی کنیم
۳۷۷	مسایل اقتصادی
۳۸۱	مسایل سیاسی
۳۸۵	برابری و سایر مسایل اخلاقی

فصل ۸ - ترویج سلامت ۳۹۱

۳۹۱	ترویج سلامت
-----	-------------

۳۹۲	قوانین بهداشت و درمان
۳۹۷	تکامل قانون بهداشت و درمان
۴۰۲	سیستمی دوگانه از بهداشت و درمان دولتی و خصوصی
۴۰۴	خطرهای بیمه نبودن
۴۰۶	نقاط قوت و ضعف سیستم بهداشتی آمریکا
۴۰۷	سیستم بهداشت و درمان کثرت گرا
۴۰۸	برنامه‌های مراقبت بهداشتی دولت
۴۰۸	بیمه‌ی پزشکی سالمندان
۴۱۴	بیمه‌ی اشت مستمندان
۴۱۷	بهداشت و درمان سربازان
۴۲۰	سایر سبیل قوانین بهداشت و درمان
۴۲۱	قابلیت جابه‌جایی
۴۲۱	حقوق بیمار
۴۲۲	افزایش مخارج بهداشت و درمان
۴۲۴	نوآوری‌های قوانین ایالتی
۴۲۶	سامان‌دهی نسخه‌نویسی برای آروغ
۴۲۷	گام‌های تحلیل
۴۲۷	سامان‌دهی پذیرش داروی جدید
۴۲۹	سازمان‌های درمان مدیریت شده
۴۳۱	کاهش مخارج بهداشت و درمان
۴۳۳	کیفیت درمان
۴۳۴	خطاهای پزشکی
۴۳۵	مسایل اخلاقی در بهداشت و درمان
۴۳۶	بحث متمرکز: آیا باید روی مراقبت‌های درمانی پیشگیری بیشتر تاکیدی شود؟
۴۳۷	تاثیرگذاری
۴۴۰	مسایل صرفه‌ی اقتصادی
۴۴۲	برابری و سایر مسایل اخلاقی

فصل ۹ - بهزیستی و قوانین تامین اجتماعی/ ۴۴۵

۴۴۵	بهزیستی و قوانین تامین اجتماعی
۴۴۸	فقر
۴۵۳	تامین اجتماعی
۴۵۶	جمعیت‌شناسی در حال تغییر تامین اجتماعی

۴۵۷	گام‌های تحلیل
۴۵۷	AARP به‌عنوان گروهی مدافع
۴۵۸	مشکلات تامین اجتماعی
۴۶۰	تامین سرمایه‌ی تامین اجتماعی
۴۶۴	بهریستی
۴۶۵	برنامه‌ی یاری غذای مکمل
۴۶۶	کمک به خانواده‌هایی با فرزندان وابسته
۴۶۷	اعتبار مالیات بر درآمد دریافتی
۴۶۸	گروه‌های اصلاحی بهزیستی
۴۶۹	قانون اصلاح بهزیستی
۴۷۰	حلبا قانون اصلاح بهزیستی

فصل ۱۰ - قوانین آموزش/۴۷۷

۴۷۷	قوانین آموزش
۴۸۴	مشکلات مربوط به آموزش
۴۸۴	گام‌های تحلیل
۴۸۵	سرمایه
۴۸۶	گام‌های تحلیل
۴۸۶	سرمایه‌ی آموزش ایالت
۴۸۷	جداسازی کلیسا و ایالت
۴۸۹	کیفیت
۴۹۴	اصلاحیه‌های قوانین آموزشی
۴۹۴	پاداش شایستگی
۴۹۶	استانداردها، مدارک و درآمد معلمان
۴۹۸	کوپن‌های مدرسه، انتخاب مدرسه و مدرسه‌های دارای مجوز رسمی
۵۰۲	آزمون مدرسه
۵۰۳	مسایل آموزش عالی
۵۰۴	اعمال مثبت
۵۰۵	مخارج آموزش عالی
۵۰۶	بحث متمرکز: ارزان‌قیمت‌بودن، مخارج و ارزش آموزش عالی
۵۰۸	گام‌های تحلیل
۵۰۸	مردها کجا هستند؟
۵۱۰	مسایل اقتصادی

۵۱۲	مسائل سیاسی
۵۱۵	مسائل برابری و اخلاقی

فصل ۱۱ - قوانین محیطی و انرژی/۵۲۱

۵۲۸	گام‌هایی برای تحلیل
۵۲۸	کنفرانس ۲۰۱۲ سازمان ملل در زمینه‌ی توسعه‌ی پایدار: ریو+۲۰
۵۳۱	تحول قوانین محیطی و انرژی
۵۳۲	اولین قوانین محیطی و انرژی
۵۳۳	جنبش مدرن زیست‌محیطی و تحولات قوانین
۵۳۸	از توافق تضاد در قوانین محیطی
۵۴۰	گام‌هایی برای تحلیل
۵۴۰	سابقه‌ی رای‌برداری بر سر محیط زیست
۵۴۳	قوانین فدرال اصل در زمینه‌ی محیط زیست
۵۴۳	کار روی منابع: از انبوهی مسئول محیط زیست
۵۴۵	لایحه‌ی قانون ملی محیط زیست
۵۴۷	بیانیه‌های حفاظت محیط زیست و محیط
۵۵۱	زمینه‌ی کلی قوانین حمایت از محیط زیست
۵۵۲	کار روی منابع
۵۵۲	حمایت از قوانین محیطی
۵۵۲	گروه‌های محیط زیست
۵۵۲	گروه‌های صنعتی
۵۵۶	برنامه‌های حفاظت از محیط زیست چقدر خوب عمل می‌کنند
۵۵۷	کار روی منابع - ارزیابی قوانین محیطی
۵۶۰	گزینه‌های قانونی برای آینده
۵۶۲	قوانین منابع طبیعی
۵۶۵	ارزیابی موفقیت
۵۶۶	گزینه‌های قانونی برای آینده
۵۶۹	قوانین انرژی
۵۷۲	بحث دقیق: تغییرات آب‌وهوایی و گزینه‌های مختلف قوانین انرژی
۵۷۵	مسائل اقتصادی
۵۷۷	امکان سیاسی
۵۷۹	مسائل اخلاقی

۵۸۹	تاریخچه و تکامل قوانین
۵۸۹	گام‌هایی برای تحلیل - آژانس امنیت ملی و جاسوسی داخلی
۵۹۱	نقشه‌ی مارشال، ناتو و جنگ سرد
۵۹۳	سازمان ملل متحد و جهانی‌سازی
۵۹۵	تقویت نظامی و تسلیحات اتمی
۶۰۰	آژانس‌های اطلاعاتی و جنگ در عراق
۶۰۴	گام‌هایی برای تحلیل - هزینه‌ی جنگ سراسری با تروریسم چیست
۶۰۵	حمایت مالی و نظامی: کمک‌های خارجی
۶۰۸	موضوعات منتخب در حوزه‌ی امنیت ملی
۶۰۸	مقاصد تهدیدات امنیت داخلی: ما چقدر آسیب‌پذیریم؟
۶۱۰	مسئله‌ی امنیت حمل و نقل
۶۱۲	گام‌هایی برای تحلیل
۶۱۲	آیا هواپیماهای مسافری باید به سیستم دفاع ضد موشکی مجهز شوند
۶۱۳	بحث متمرکز: آزادی‌های مدنی در عصر تروریسم
۶۱۴	تاثیرگذاری و بهره‌وری
۶۱۶	نگرانی‌های قانونی و اخلاقی

فصل ۱۳ - سیاست‌های داخلی و انتخاب قوانین/ ۶۲۳

۶۲۷	تحلیل قانونی، مشارکت شهروندی و تغییر قوانین
۶۳۲	قوانین عمومی و اثر آن‌ها
۶۳۳	تضاد قوانین و تصمیم‌گیری فزاینده
۶۳۵	استراتژی‌های قانونی بدون گوی بلورین
۶۳۸	تحلیل و انتخاب قوانین
۶۳۹	ارزایی سیاست‌گذاری عمومی
۶۴۱	بهبود ظرفیت قوانین
۶۴۵	مشارکت شهروندان در تصمیم‌گیری
۶۴۵	ظرفیت شهروندان و مشارکت قانونی
۶۴۶	گام‌هایی برای تحلیل - پول در سیاست
۶۴۹	گام‌هایی برای تحلیل
۶۴۹	استفاده از اینترنت برای تاثیرگذاری بر نظر عمومی و بحث‌های سیاسی
۶۵۱	اشکال جدید مشارکت شهروندی

درباره‌ی نویسندگان..... ۶۵۶

تألیف‌ها و ترجمه‌های دکتر نادر هوشمندیار..... ۶۵۸

www.ketab.ir

مقدمه‌ی مترجم

سیاستگذاری علمی، به مجموعه عملکردهایی اطلاق می‌گردد که یک دولت جهت حل مشکلات تصمیم‌گیری‌ها، تخصیص اعتبارات یا ارزش‌ها، اجرای سیاست‌ها یا بطور کلی انجام امور علمی که طبق قوانین کشور از آن انتظار می‌رود که بدون داشتن تحلیلی در مورد ماهیت، مزایا، سیاستگذاری نمی‌توان ارتباط میان شخصیت انسانی و سیاست را روشن کرد.

در دنیایی که ما در آن زندگی می‌کنیم، ضرورت‌های زیست‌نویین اجتماعی باعث شده است تا فهم از علوم و بازخوانی آن‌ها در حوزه‌های مختلف دانش، صیقل بخورند و تعاریف و رویکردهای جدیدی را تجربه کنند. بر همین اساس صاحبان علوم، اندیشه‌ها و دانش‌های متعدد دیگر نمی‌توانند با خنثی‌سوده روی دانسته‌های خود بایستند و آنها را به عنوان یکی از راهبردهای زندگی بشر برای بشر معرفی کنند. اکنون هر روز، هر ساعت و حتی هر لحظه باید در انتظار بود تا یک علمی جدید و یا برداشتی نوین از یک تجربه علمی و تاریخی از راه برسد و بسیاری از اسطورات فکری و آکادمیک تجربه‌های علمی را با چالش مواجه سازند. در چنین شرایطی بیشتر از هر زمان دیگری، دانسته‌ها و اندوخته‌های علمی ما در معرض قرار گرفتن در رده الگوهای تاریخی قرار دارند. البته شک نباید کرد که افزایش دامنه تغییرات علمی و یا به تعبیر دیگر سرعت گرفتن الحاق اندیشه‌ها به متون تاریخی پدیده مبارکی برای علم اندوژی و پیشرفت‌های علمی بشر محسوب می‌شود، چون این حجم از تولید فکر که دایم در معرض به روز شدن و نوآوری قرار دارند، پایه‌های بهینه شدن عقلانیت را

تحکیم می‌کنند. به طور قطع با رجوع به تجربه‌های دانش‌اندوزی است که آینده از حیث تومندتر شدن پیکر علم، سیمایی درخشان و با شکوه دارد. در چنین شرایطی طبیعی است که گسترده‌تری حرکت، تکامل و پیشرفت‌های بزرگ در ارتقا جایگاه عقلانیت و فراهم سازی مداوم زمینه‌های لازم برای رشد بسترهای دانش‌اندوزی، صحنه‌ای از یک رقابت وسیع و تنگاتنگ را به وجود می‌آورد که در آن افراد و گروه‌هایی که در مسیر کسب دانش قرار دارند، مثل حجم پهناوری از مولکول‌های گرم یک شیء در هم می‌لولند و دائم در این تلاش نفس‌گیر هستند که موقعیت‌های خود را برای «پیشرفت دانستن» تقویت کنند. این رقابت و داشتن موقعیتی بهینه در آن، شرط زندگی پر رونق در دنیای امروز است. البته منظور از رونق داشتن جیبی پر از درآمدهای آسان نیست، بلکه وجود درآمدهایی در سطح معیارهای استاندارد دنیای امروز، فقط بخشی از این رونق محسوب می‌شود. نکته و گوشه اصلی از «رونق»، شکل گرفتن هژمون‌ها و توحه‌های است که به طور قطع در سطح مشخصی از توان رقابت در دنیای امروز حاصل می‌شود. کشوری که تواند در ارتقا مداوم عقلانیت و یا پیشرفت سریع دانش و دانایی محوره سه می‌از صعود همگانی در جهان را از آن خود کند، حتما باید از غبار تحرک سایر کشورها بهره‌مند شود و این معنایی ندارد جز در راه ماندن و عقب افتادن از مزیت‌هایی که رقابت و در شیدن در رقابت به همراه می‌آورد. در این وانفسا که در کلامی ساده می‌توان آن را فزونی اساسی برای بهتر شدن و بهتر فهمیدن تعریف کرد.

علوم انسانی جایگاهی ویژه دارند و در میان آنها علم سیاست به مراتب، مرتبه‌ای ساختاری‌تر برای تجهیز یک جامعه به سمت شکل‌گیری تلاش و فعالیت مولد عمومی دارد. شاید این تعبیر حتی برای برخی از دست‌اندرکاران علم سیاست نیز یگانه باشد، کماکان که تجربه ثابت کرده این گونه است و در میان برخی اهالی علم سیاست نیز رابطه میان مولدگرایی عمومی و تعبیر موجود در علم سیاست آن طور که باید درک نمی‌شود. از این منظر و با اتکا به اوضاعی که درک فهم علم سیاست در میان اهل فن آن دارد، می‌توان مدعی شد که در بین عوام و یا در بین بسیاری از خواص علوم دیگر شاید وضع به مراتب بدتر هم باشد و طبیعی است که وقتی کارشناسان یک حوزه آن

طور که شایسته است، نتوانند شناخت دقیقی از بطن یک علم داشته باشند، حتماً کارشناسان علوم دیگر و در سطح کلی‌تر، عوام بی‌ارتباط با یک مبحث ساختاری براساس شنیده‌ها و یا سطح اندک شناخت عمومی خود از یک علم، در مورد آن حکم می‌دهند. علم سیاست را دقیقاً چنین شرایطی احاطه کرده است. یعنی حتی در میان دانشکده‌های علم سیاست و در میان دانشجویان علوم سیاسی نیز می‌توان فراوان دید که برداشت موجود از دانش سیاست، مطابق است با سطح نازل تحلیل و تعریف این علم در محافل عمومی‌تر که در یک برداشت کلی اکثریت افرادی که نام علم سیاست را می‌شنوند، و یا با آن سروکار دارند، گمان می‌کنند که این علم امکانی است برای قرار گرفتن در قالب بندی‌های سیاسی یک جامعه و یا ایجاد قالب‌بندی‌های جدید سیاسی برای یک کشور و یا در بهترین حالت بر این باورند که علم سیاست امکانی در اختیار انسان می‌گذارد که هم بتواند بهتر و کارآمدتر سیاست‌ورزی کند و از تدابیر حيله‌گرانه برای پیشبرد اهداف سیاسی خود استفاده کند. به طور قطع این تعاریف و فهم عمومی از علم سیاست جدا از این دانش نیستند و در بطن آن قرار دارند، اما به یقین بخش کوچکی از گستردگی علم سیاست را تشکیل می‌دهند. اگر قرار بود که دانش سیاست تنها برای این باشد که افراد گروه‌ها بیاموزند که چگونه می‌شود سیاست بود و یا چگونه می‌شود بهتر فعالیت سیاسی کرد که اصلاً لازم نبود حضور در دانشگاه به عنوان بهترین گزینه سیاست‌ورزی مطرح باشد. چه سیاستمداران بزرگی که شاید اصلاً حضور در دانشکده‌های علم سیاست را هم تجربه کرده بودند.

این چالش و چاله که در کسب و دریافت ذهنی علم سیاست وجود داشته است و شاید همچنان نیز با قدرت در میان برخی از دست‌اندرکاران این رشته دانشگاهی وجود دارد، یکی از دلایل اصلی در شکل گرفتن دانش و روش‌شناسی «سیاست‌گذاری عمومی» است. پژوهش‌گران و تدوین‌کنندگان دانش عمومی سیاست‌گذاری، این علم و تجربه عقلانی را در بطن علوم سیاسی به عنوان یک قلب تپنده قرار دادند که دانش‌پژوهان علم سیاست با دانش اندوزی در سیاست‌گذاری عمومی و روش‌مندی علمی در چارچوب این فهم علمی، به این عقلانیت نایل شوند که علم سیاست باید یک مکانیزم عمل‌کننده عمومی و یا یک الگوی روش‌مند عمومی برای عمل در جامعه

باشد. مسیر اجرایی و راهبردی این تعاریف نیز کاملاً در مبحث سیاست‌گذاری عمومی طراحی و تدوین شده است. به سخن ساده، سیاست‌گذاری عمومی به عنوان یک استراتژی برای تنظیم ضربان خون‌رسانی به همه اقشار و طبقات اجتماعی، راه نجات از این بن‌بست‌های سیاسی و افزایش هزینه مبادله در همه سطوح اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و زیست محیطی به دلیل وابستگی‌های سیاسی راهبران و مدیران هر جامعه‌ای محسوب می‌شود. همان‌طور که گفته شد، یکی از اصلی‌ترین گرفتاری‌های موجود در بدنه رفتارهای اجتماعی، درک نامشخص و ناقص از سیاست‌ورزی علمی به عنوان یک مبحث دانشگاهی است. دامنه این نقص اگر ذهن برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران را در بر بگیرد، درواقع نفع عمومی می‌تواند به نفع جناحی و گروهی تبدیل شود. چون ر حاشیه آن نقض، یک مدیر در بهترین حالت سیاست را در لابه‌لای منافع چپ و راست رکی می‌کند و در نهایت نیز سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌هایش می‌تواند مانند یک انگ دار در میان چپ و راست باشد. «سیاست‌گذاری عمومی» دقیقاً در نقطه عکس این ماجرا قرار دارد. چون در نخستین قدم با اتکا به ظرفیت‌های علمی راه خروج از وابستگی، سعی می‌کند به مدیران نشان می‌دهد تا آنها بتوانند با عمل عمومی به برطرف کردن و برداشتن سوابق عمومی کشور بپردازند. درواقع «سیاست‌گذاری عمومی» یک زبان تخصصی و روش علمی منحصر به فردی است که گستره خدمات‌رسانی مدیران در بخش‌های متعدد را با استفاده از تعادل می‌رساند که آنها با کمترین نوسان شرایط عمومی جامعه را بهینه می‌سازند. به طر قطع در این فرایند نمی‌توان بخش‌های مختلف و حوزه‌های تعیین‌کننده اجتماعی را از یک‌دیگر جدا کرد و یا آنها را به صورت قطعاتی جدا از هم پذیرفت.

سیاست‌گذاری عمومی، حیطه‌ای پهن‌آور دارد که فرهنگ، جامعه، اقتصاد، معیشت، محیط کسب‌وکار تا برنامه‌ریزی‌های متعدد سیاسی برای فعل و انفعالات جامعه را دربرمی‌گیرد. در همه این بخش‌ها سیاست‌گذاری‌هایی که صورت می‌گیرد اگر منطبق بر دانش عمومی‌سازی منفعت‌های همه جانبه و همه‌گیر نباشد، علم سیاست تبدیل به شارژی می‌شود که فقط بخش‌های محدودی از جامعه را صاحب منفعت می‌سازد. در چنین حالتی به دلیل ناکارآمد سازی بخش بزرگی از جامعه و یا قرار دادن

آنها در ظرفی که خود را با حرکت عمومی برای بهینه سازی معدل‌های اجتماعی بیگانه می‌بینند، امکان ایجاد تعارض‌های متعدد در فرآیند اجتماعی نیز افزایش می‌یابد. این اتفاق حتماً پیامدهای ناگواری به همراه خواهد داشت که همه می‌توانند نتایج آن را حدس بزنند و یا تصویری از آن در ذهن خود ترسیم کنند. به خاطر همین احتمال ناخوشایند، سیاستگذاری عمومی، شکل گرفته است تا به واسطه آن حکومت‌گرایی یا ایجاد دولت‌های متمرکز و اقتدارگرا به حکمرانی خوب تغییر ماهیت دهند. به عبارتی سیاست‌گذاری عمومی، دانشی است که دامنه آن حتی شرط بقا و شرط بهینه شدن هنر رهبران انسانی در مدل و الگوی مدیریت‌های کلان حکومتی را نیز تعیین می‌کند. در کلامی کوتاه همان‌طور که همه دانشمندان علم سیاست تایید کرده‌اند، حکمرانی مثلی بزرگ بین دولت، بخش خصوصی و جامعه مدنی است که در میان آنها تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری‌ها با حداقل بهر مندی عمومی شکل می‌گیرد. اما غیر از این مثلث در فرآیندی که دولت اقتدارگرا و متمرکز می‌خواهد به تتهایی تعیین‌کننده شرط زندگی بهینه در جامعه باشد، کار به جایی می‌رسد که مدنیت و حق مالکیت‌های خصوصی باید در انتظار بیشترین خطر و برخورد با قهری باشند. علم سیاست اگر مجهز به عقلانیت و دانش سیاستگذاری عمومی باشد بزرگترین مسئولیت اجتماعی را بر دوش خود خواهد داشت و آن هم چیزی نیست جز برقراری امکان شکل گرفتن حکمرانی؛ یعنی با اتکا به این روش‌شناسی علمی می‌توان یک جامعه را از پرتگاه اقتدارگرایی نجات داد. درست به همین خاطر است که می‌توان با قاطعیت گفت که سیاست‌گذاری عمومی به تتهایی هم تضمین‌کننده ایجاد حیات در علم سیاست است و هم محیط را برای بالندگی سایر شاخه‌های علوم انسانی مهیا می‌سازد. اگر خوب دقت کنیم این «دفعه‌اری و یا این ماموریت علمی در برگیرنده و تسهیل‌کننده بیشترین اهدافی است که می‌توان توسعه برای هر الگو و رفتاری در بهینه‌سازی اجتماعی تعریف، تعیین و تبیین کرده‌اند. توسعه در کوتاه‌ترین سخن دست‌یابی به قله سرمایه اجتماعی، کرامت انسانی و نقطه‌ای است که در آن موانع مولدگرایی برچیده شده است. سیاست‌گذاری عمومی با ایجاد راهبردهای علمی و قرار دادن آنها در میان راهبران اجتماعی دقیقاً در پی دست یافتن به واقعیتی است که در آن توسعه محتمل باشد و انسان و نفع عمومی شهروندان او سرلوحه عمل

قرار بگیرد. شاید نزدیکترین مثال برای نشان دادن کارایی و کارآمدی سیاست‌گذاری عمومی و از سوی دیگر نشان دادن عدم استفاده از سیاست‌گذاری عمومی، بحث کردن درباره بودجه‌های سنواتی باشد. در کشورهایی که برنامه‌ریزان آن تکیه بر راهبردهای علمی سیاست‌گذاری عمومی دارند، بودجه‌های سنواتی اسنادی عملیاتی هستند که به خوبی هزینه مبادله را برای هر فعل و انفعالی در مدار توسعه به نقطه بهینه نزدیک می‌کنند. اما در نقطه عکس، فقدان تکیه بر سیاست‌گذاری عمومی در بهترین جایی که خوش‌شانس‌ها را نشان می‌دهد، همین اسناد بودجه است. مدیریت در سطح کلان اگر مبتنی بر علم عمومی نباشد، همیشه بودجه عملیاتی و تخصیص بهینه منابع در سند ارزش افزوده عمومی، برایش یک هدف دست نیافتنی محسوب می‌شود. در خیلی از کشورها مصداق بار این ادعا را می‌توان در تصمیم آنها برای عملیاتی تدوین کردن سند بودجه مشاهده کرد. گاهی اوقات حتی قبل از چند دهه کشورها از برنامه‌های خود برای عملیاتی شدن بودجه‌های سه‌ساله خبر می‌دهند، اما بعد از سالیان متمادی همچنان بودجه‌ها به شکل سابق خود تکرار می‌شوند که در مجموع نشانی از هدف‌گذاری بهینه عمومی نیز در آنها وجود ندارد. این مثال آنالیز خوبی برای تشخیص ضرورت درک سیاست‌گذاری عمومی برای دانش‌وران علم سیاست است. کتاب حاضر نیز سعی دارد تا این پارادایم علمی را واکاوی کند و نشان دهد که چرخه سیاست‌گذاری عمومی راهی است که به عقلانی کردن و دور کردن علم سیاست از تعصبات سیاسی منجر می‌شود؛ یعنی تعصبات و تعلقاتی که منافع و مصالح عمومی را تضعیف کرده‌اند. دانش‌ورزان علم سیاست باید با آگاهی و درک موقعیت کنونی توسعه در ایران، سعی در نهادینه کردن مفاهیم سیاست‌گذاری عمومی در علوم سیاسی داشته باشند. چون فقدان این دانش در بساط تصمیم‌سازی عمومی هزینه‌های زیادی را در برنامه‌های گذشته برای توسعه ایرانی به وجود آورده است. سیاست‌گذاری عمومی در حال حاضر تنها راهبرد علمی برای حفظ موجودیت منافع ملی و عمومی کردن دغدغه توسعه در ایران و در هر کشوری از جهان است که می‌خواهد فردایی بهتر را با توان و نیروی همه مردمش، از هر طبقه و گروهی فراهم سازد. این فردای بهتر اگر شکل بگیرد بهترین هدیه برای نسل آینده خواهد بود.

در کلامی خلاصه می‌توان گفت که:

رشته سیاست‌گذاری عمومی و نیز موضوع و روش آن در قالب‌های تئوریک و متدیک به وسیله متخصصان این رشته گشوده شده‌اند، مورد بررسی قرار گرفته‌اند. که به دنبال آشکار نمودن دو خصوصیت اساسی رشته سیاست‌گذاری عمومی می‌باشد:

۱- این رشته جدید از یک سو متخصصان علوم سیاسی را به انجام مطالعات کاربردی و عملی در خصوص دولت و عملکرد آن دعوت نموده و بدین ترتیب راه را بر تأثیرگذاری آنها بر اداره امور اجتماعی هموار می‌کند.

۲- از سوی دیگر سیاست‌گذاری عمومی زمینه ارتباط میان رشته‌های مختلف علوم اجتماعی (اجتماع‌شناسی، اقتصاد، مدیریت، روان‌شناسی، علوم سیاسی...) را فراهم نموده و زمینه‌ها آنها را در ابعاد معرفت‌شناسی، نظریه و روش در قالب‌هایی جدید برای بالابردن کارایی دولت به کار می‌بندد.

علم سیاست و سیاست‌گذاری عمومی در علوم سیاسی کاملاً یک رشته تخصصی متفاوت با توسعه، اقتصاد، سیاست، مدیریت، مدیریت صنعتی و راهبردهای مدیریتی و همچنین علوم بازرگانی و سیاست‌گذاری در سایر رشته‌های اقتصاد سیاسی است. بین سیاست‌گذاری عمومی در علوم سیاسی با مباحث مربوط به بخش عمومی در حوزه اقتصاد، ارتباطی تنگاتنگ وجود دارد. البته واحد های سیاسی پول و بانک، قانون تجارت و درسی اقتصاد کلان و همچنین واحدهای درسی اقتصاد مدیریت نیز باید ارتباط مفهومی با درس سیاست‌گذاری عمومی در رشته علوم سیاسی داشته باشند. دانشجویان رشته علوم سیاسی اندیشه‌های سیاسی را پاس می‌کنند دانشجویان اقتصاد و توسعه، اندیشه‌های اقتصادی، اما در مبحث سیاست‌گذاری، اینها به هم می‌رسند. به نظر بنده، سیاست‌گذاری در سطح عمومی از آنجا که با گسترش از حقوق عمومی سروکار دارد، باید مباحث مربوط به اقتصاد عمومی و یا بخش عمومی را نیز در بر بگیرد و یا در چارچوب سیاست‌گذاری‌های خود قرار دهد. اگر فرض را بر این بگذاریم که متولی سیاست‌گذاری عمومی، دولت و مدیریت‌های دولتی است، پس این بخش نمی‌تواند نسبت به دستورالعمل‌های بخش عمومی در حوزه اقتصاد که رفتار اقتصاد دولتی را کانالیزه می‌کند بی تفاوت باشد. فراموش نکنیم که بزرگترین

سیاست‌گذاری عمومی در هر کشوری که از نظام برنامه‌ریزی متمرکز تبعیت می‌کند، تنظیم سند سالانه بودجه است. بودجه در کشوری مثل ایران که دولت ۸۰ درصد اقتصاد را بر عهده دارد و یا به تعبیری دیگر، ۸۰ درصد فعل و انفعالات دولت در مناسبات اقتصادی قرار دارد، حتماً بزرگترین سند سیاست‌گذاری عمومی محسوب می‌شود. در این سند دولت در واقع با تنظیم مرامنامه تخصیصی بودجه به هر وزارتخانه و سازمانی، سهم آنها را از امنیت اقتصادی که امنیت معیشت و اشتغال را در خود دارد، مشخص می‌کند. من فکر می‌کنم خیلی نمی‌شود محکم گفت که سیاست‌گذاری عمومی همان متقاعد سازی است. البته شاید در تعاریف و مفاهیم درسی بتوان این ادعا را کرد اما در عرصه عمومی و در حوزه زیست اجتماعی، دولتها اگر موظف به سیاست‌گذاری عمومی باشند، تنها زمانی می‌توانند از متقاعد سازی سخن بگویند که سیاست‌های آن‌ها درست باشد، امنیت و آسودگی خاطر را در بدترین حالت و در کمترین سطح حداقل برآورد. درصد جامعه به ارمغان آورده باشد. اگر غیر از این باشد دولتها به جای متقاعد سازی، در سیاست‌گذاری، حتماً به این اندیشه می‌کنند که با ترفندهای متعدد سیاسی از جابجایی قدرت جلوگیری کنند.

دکتر زهره مندیار - عضو هیئت علمی و استاد دانشگاه

تابستان ۱۳۹۶

مقدمه

هزینه‌های بهداشت درمان به‌طور قطع در دهه‌های آتی افزایش خواهد داشت چراکه فرزندان نسلی بعد جنگ همچنان سنشان زیاد می‌شود و نیازمند خدمات گوناگون درمانی بسیاری هستند. در سال ۲۰۱۲، هزینه‌های بهداشت و درمان در یکی از پایین‌ترین سطح خود یعنی ۵۰ سال گذشته قرار داشت که منجر به بروز اندکی آرامش خیال نسبت به افزایش هزینه‌های سنگین و روبه‌رشد بهداشت و درمان شد. در هر صورت، مجموع مخارج ۲۰۰۰ میلیارد دلار یا ۱۷ درصد تولیدات خانگی ناخالص ملی رسید. این رکورد بالایی بود. لات متحد در سال ۲۰۱۲ به ازای هر فرد ۸۹۱۵ دلار صرف بهداشت و درمان کرد، عددی که به‌طور قطع در دهه‌ی آینده افزایش خواهد داشت. در واقع، مراکز بیمه‌ی بهداشت و درمان و همچنین اذعان دارند که تا سال ۲۰۲۰ مخارج بهداشت و درمان برای هر فرد معادل هزینه‌ی هفتگفت ۱۴۶۶۴ دلار خواهد بود. مخارج بهداشتی سال ۲۰۱۲ اوایل ۲۰۱۳ منتشر شد، و در ۳ سال بعد این که رئیس‌جمهوری باراک اوباما موفق به دریافت رای مثبت کنگره برای ایجاد تغییراتی چشم‌گیر در سیاست بهداشت و درمان شد، لایحه‌ی حفاظت از بیماران ارزان، که با نام درمان اوباما نیز شناخته می‌شود. یکی از اهداف این لایحه، کاهش نرخ افزایشی مخارج بهداشت و درمان ملت بود. با وجود هرگونه تأثیری که این لایحه‌ی پیچیده ممکن است داشته باشد، با در نظر گرفتن این که از چالش‌های قانونی و مخالفت‌های جمهوری خواه‌ها سر بلند بیرون بیاید، به احتمال زیاد همچنان شاهد

افزایشی دنباله‌دار در مخارج بهداشت و درمان خواهیم بود. بهترین راه برای مقابله با سربه‌فلک کشیدن هزینه‌های بهداشت و درمان، به‌ویژه با در نظر گرفتن مسایل دیگری مانند - درجه‌های بالا و متداوم چاقی - که ممکن است هزینه‌ها را حتی از این هم فراتر ببرند، چگونه می‌توانیم از توانایی پرداخت هزینه‌های سرمایه‌ی اعتمادی بهداشت و درمان محافظت کنیم درحالی‌که درخواست‌های نسل پس از جنگ خطر ورشکستگی و به‌مخاطره‌انداختن منافع نسل‌های آینده را در پی دارند؟ به‌راستی، چه نوع بهداشت و درمان و تأمین اجتماعی در دسترس نسل شهروندانی که اکنون در دوران نو رانی و ۲۰ سالگی خود هستند؟ راه‌های جایگزین چه خواهند بود؟

چنین تصمیم‌گیری‌های قوانین دولتی تقریباً با تمام جنبه‌های زندگی روزانه در ایالت متحده در ارتباط است، هرچند اکثر مردم یا به‌طور کل یا تا حدودی متوجه تاثیرگذاری آنها نمی‌شوند. برای مثال اصلاح تأمین اجتماعی، ممکن است برای اکثر جوانان امروز امری ضروری به نظر نرسد، اما بدون شک این کار تعیین‌کننده‌ی میزان کیفیت زندگی آن‌ها در دهه‌های آینده خواهد بود. به همین دلیل است که شهروندان نه‌تنها باید از چگونگی اتخاذ این تصمیم‌های دولت‌ها آگاه باشند، بلکه باید توانایی ارزیابی این تصمیمات را نیز داشته باشند.

به اعتقاد ما دلیل الزام آگاهی‌یاری داشتن، ساده است: سیاست‌گذاران بیشتر به تمایلات و نیازهای جمعیت پاسخگو هستند و در دسترس موارد، وقتی مردم علاقه‌ی بیشتری به امور دولتی نشان می‌دهند و نقش فعال‌تری در سیاست‌گذاری دارند، کارایی آن‌ها نیز بیشتر می‌شود. ما امیدواریم این متن موجب برانگیختن علاقه و توجه خواننده شود، درحالی‌که توانایی‌های لازم برای تفکر منتقدانه و علاقه‌ی دوباره‌ی مشکلات قوانین را برای آن‌ها تأمین می‌کند.

عنوان فرعی این کتاب، سیاست‌ها، تحلیل و جایگزین‌ها، به‌وضوح نشان می‌دهد که ما این‌جا دنبال چه هستیم و این‌که هدف ما با سایر کتاب‌های قوانین دولتی معمول متفاوت است. این کتاب سه جنبه‌ی مطالعاتی قوانین دولتی را با هم تلفیق می‌کند: سازمان‌های دولتی و فرآیند قانون‌گذاری، مفاهیم و روش‌های تحلیل قوانین و تصمیماتی که به‌طور همگانی درباره‌ی قوانین دولتی بنیادین در تمام سطوح دولتی می‌گیریم. در تمام طول

کتاب، ما بر روابط درونی سازمان‌های دولتی، منافع و انگیزه‌های مجریان قوانین هم بیرون هم داخل دولت و نقش تحلیل قوانین در شفاف‌سازی مشکلات دولتی و کمک به شهروندان و قانون‌گذاران برای انتخاب میان جایگزین‌ها، تمرکز می‌کنیم. این موضوعات مرکزی با فراهم کردن ابزار مورد نیاز دانشجویان پشتیبانی می‌شوند - چگونگی پیدا کردن اطلاعات کلیدی، چگونگی استفاده از معیار سنجشی مشخص، چگونگی به کارگیری روش‌های تحلیل قوانین و چگونگی ارزیابی نقش علوم سیاسی در قانون‌گذاری - بررسی مسایل انجام تحلیل قوانین به تهایی. معتقدیم که این رویکرد بهترین روش برای آموزش مهارت تحلیل و نه تنها ارائه‌دهنده‌ی درکی از اجرای قوانین دولتی، بلکه ارائه‌دهنده‌ی راهی به درون این فرآیند است.

تمرکز بر تحلیل قوانین

با تمرکز بر فراگیر بودن قوانین، سعی داریم که مطالعه‌ی آن را فعالیتی حیاتی برای دانشجویان قرار دهیم. آن‌ها زمانی که مسلح به ابزار تحلیل قوانین باشند، بهتر می‌توانند قدر قدرتشان در ایجاد تغییر در سیستم را بدانند. هرچند، قبل از این که دانشجویان با ابزار قدرتمند این کار روبه‌رو شوند، باید منطق قوانین دولتی و مطالعه‌ی آن را برایشان توضیح داد. در بخش اول، توضیح می‌دهیم که تصمیمات قوانین دولتی در خلا گرفته نمی‌شوند. زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی مهمند، همچنین ویژگی‌های متمایز دولت ایالات متحد و منطق پشت دخالت‌های دولتی. داشتن درکی از ساختار سازمان‌ها، انگیزه‌های مجریان قوانین (رسمی و غیررسمی) و ماهیت خاص سیستم سیاسی ایالات متحد به دانشجویان اجازه می‌دهد که پیچیدگی دولت را درک کنند، درحالی که به کشف موقعیت‌هایی برای درگیر شدن در این فرآیند می‌پردازند. از آنجا که دیدگاه‌های فراوانی نسبت به فرآیند قانون‌گذاری ارائه می‌دهیم، از نظریه‌ی ممتاز تا نظریه‌ی انتخاب، اما تمرکزمان بر مدل فرآیند قانون‌گذاری است - به تصویر کشیدن قانون‌گذاری به عنوان زنجیره‌ای از فعالیت‌های کلیدی از طرح دستور جلسه تا اجرای کردن قوانین - که در ادامه‌ی کتاب استفاده شده است. ما امیدواریم که این فصل‌ها دانشجویان را تشویق کند جوای این باشند که تصمیم‌ها چگونه اتخاذ می‌شوند و این که چرا این گونه تصمیم‌گیری شده است نه به صورت دیگری.